



شعر، حال آدم رو بهتر می‌کنه یا موسیقی؟ این سؤال از اون سؤالات که از قدیم بین حکیم و شیخ و صوفی و عارف و فیلسوف سرش جنگ و دعوا بوده و هنوز هم کم و بیش هست؛ ولی تجربه دیگه‌ای هم هست که حال آدم رو خیلی خوب‌تر می‌کنه: شعر و موسیقی با هم! مثلاً وقتی شعر حافظ و سعدی و مولانا رو با صدای استاد شجریان گوش می‌کنی، همه چیز از شعر و موسیقی و موسیقی شعر گرفته تا زمین و زمان به طرز عجیبی زیبا و روحانی و پرمعنا می‌شه.

مثلاً این شعر حضرت حافظ رو با نفس استاد شجریان شنیدید؟^۱



راهی بزن که آهی بر ساز آن توان زد
شعری بخوان که با او رطل گران توان زد
بر آستان جانان گر سر توان نهادن
گلبنگ سربلندی بر آسمان توان زد ...

من که می‌گم کتاب علوم و فنونتون رو با عشق بخونید، موسیقی مورد علاقه‌تون رو گوش کنید، گاهی موسیقی سنتی هم گوش کنید و بر آستان جانان سر بنهید تا به امید خدا گلبنگ سربلندی‌تون بر آسمان زده شود.

از سعید احمدپور و محمدرضا لمسه‌چی خیلی خیلی ممنونم برای نوشتن کتابی که در آن نسیم می‌وزد و سپاس از آقای ابوالفضل قاضی که نظرات مؤثری برای بهتر شدن کتاب دادند و مرسی از مریم طاهری که مسئولیت‌پذیری و پی‌گیری‌هاش چاره‌ساز شد و کتاب به موقع رسید و هم‌چنین از بر و بچه‌های حرفه‌ای و کاردست واحد تولید متشکریم.

موسیقی شعر زندگی‌تان موزون و خوش‌نوا

مقدمه مؤلفان

تو داستان‌های اسطوره‌ای یونان باستان، پادشاهی وجود داشته به نام سیزیف. راستش پادشاه شیطونی هم بوده!! مثلاً یکی از شیطونیاش این بوده که تاناتوس، الهه مرگ رو به زنجیر کشیده و دیگه کلاً هیچ کی نمی‌مرده!! حساب کن چه اوضاعی شده! جنگ‌ها مدت‌ها طول می‌کشیدن و هیچ‌کدوم از سربازا کشته نمی‌شدن! یا مثلاً مردم می‌خواستن واسه مراسم‌اشون قربانی کنن، اما گاو و گوسفندای محترم کلاً نمی‌مردن!! اوضاعی بوده خلاصه! یکی دیگه از شیطونیای این جناب سیزیف هم این بوده که واسه الهه بزرگ، زئوس، شاخ‌بازی درآورده! زئوس هم به تنبیه سخت و عجیب براش در نظر گرفته. اتفاقاً این قصه رو گفتم برای رسیدن به همین بخش، مجازات سیزیف این بوده که باید برای همیشه یه سنگ بزرگ رو می‌برده بالای یه سراسیمه‌ی، اما همین‌که به نزدیک قله می‌رسیده سنگ دوباره می‌افتاده پایین و باز باید می‌رفته و سنگ رو می‌آورده بالا ... و این تنبیه برای سیزیف همیشگی بوده، سنگ بزرگی رو بالای کوه بردن، افتادن سنگ به پایین و دوباره و دوباره و دوباره ...

اما چرا به این قصه اشاره کردم؟ تو از امسال وارد مقطع متوسطه دوم شدی، ذره ذره سنگ‌های بزرگی سر راحت قرار می‌گیرن که باید با تلاش و کوشش از سر راحت برشون داری، یکیش کنکور ... حرفم این‌جاست که باید حسابی حواسمون باشه سنگ‌های درستی رو برای قله‌های درستی انتخاب کنیم تا انرژیمون هدر نره، تا زمانمون هدر نره ... خیلی مهمه به هدف‌هایی که انتخاب می‌کنیم حسابی فکر کنیم، به قله‌هایی که می‌خوایم فتح کنیم، تا تلاشمون یه تلاش اصولی و راهگشا باشه برای رسیدن به آرمان‌های بزرگ، وگرنه حکایت این سختی‌کشیدن‌ها می‌شه همون حکایت سیزیف.

نکنه یهو به خودمون بیایم و ببینیم فقط سنگ‌های بزرگی رو تا نزدیک قله بردیم و هیچ ...

بگذریم، یه سری توضیح بدم راجع به این کتاب:

❶ تو بخش تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، مواجه‌شدن با پاراگراف‌های طولانی باعث می‌شه بعضی نکات مهم از دست در برن، ضمن این‌که چون کاملاً حفظیه، ممکنه خسته‌کننده بشه برات، از طرف دیگه هم تو این بخش، خط به خط متن کتاب مهم و سؤال‌برانگیزه، ما سعی کردیم درس‌نامه‌های این بخش رو تا حد ممکن با انواع کادرها و جدول‌ها و نمودارها و ... هم برات جذاب‌تر کنیم هم نکات رو جدا جدا و طبقه‌بندی‌شده پیش چشمت بذاریم.

❷ تو بخش آرایه‌ها اول اصل مطلبو شرح دادیم و بعد تا حد نیاز نکته‌هایی رو که به درد جواب‌دادن به سؤالات و تست‌ها می‌خورن، آوردیم.

❸ تو بخش عروض، علاوه بر شرح کامل نکات، تو جدولای تقطیع درس‌نامه بخشای چالش‌برانگیز رو با ستاره معلوم کردیم تا همون اول یادگیری گیج نشی.

❹ تو طراحی تست‌ها سعی کردیم مبتکرانه، استاندارد و مطابق با کنکور باشن و تست تکراری نداشته باشیم. پاسخ‌نامه‌ها هم جامع، کامل و آموزشی هستن و کلی نکته تستی به‌دردبخور لابه‌لاشون هست. چیدمان تست‌ها رو هم با توجه به دوتا نکته انجام دادیم: اولاً چینش ساده به سخت (خصوصاً در بخش‌های عروض و آرایه) و ثانیاً مطابقت با ترتیب مطالب درس‌نامه، و شروع با مثال‌ها و ابیات کتاب درسی (خصوصاً تو درسای تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی). سطح دشواری تست‌ها، از کمی ساده‌تر از ساده‌ترین تست‌های کنکور شروع می‌شه تا کمی سخت‌تر از سخت‌ترین تست‌های کنکور.

یه سری تست‌های دشوار هم طرح کردیم که با علامت (🔴) مشخص شدن و قصدشون بیشتر کشتی‌گرفتن شما با مطالب درسه. این تست‌ها سخت‌تر از کنکور هستن. تست‌های کنکور هر درس رو هم تو بخش آخر تست‌های مربوط به اون درس برات آوردیم تا مطمئن بشی با خوندن درس‌نامه و تست‌های این کتاب، تست‌های کنکور برات چه‌قدر راحت شدن. راستی! گاهی وقتا ظاهر راه حل ارائه‌شده تو پاسخ‌نامه‌ها، با پاسخ مثال‌های درس‌نامه متفاوت‌ه تا این‌جوری با انواع و اقسام شیوه‌های حل تست آشنا بشی.

❺ خلاصه این‌که با خوندن دقیق درس‌نامه، تست و پاسخ هر بخش، می‌تونی با خیال راحت مطمئن باشی که به اون مبحث مسلط شدی.

چند تا تشکر هم باید بکنم:

از جناب آقای قاضی که تجربه و درایتشون مثل یه تکیه‌گاه امن بود برای ما و همیشه کنارمون بودن تو روند تألیف کتاب.

از خانم مریم طاهری که با دقت، وسواس و حوصله، کارهای تألیف و آماده‌سازی رو پی‌گیری می‌کردن و اگه زحمات دلسوزانه‌شون نبود، این کتاب با این کیفیت آماده نمی‌شد.

و از بر و بچه‌های حرفه‌ای و کاربلد واحد تولید که حسابی تلاش کردن برای این کتاب، خصوصاً بچه‌های واحد گرافیک که اجرای ایده‌های تصویری ما پیرشون کرد. 😊

و مهم‌تر از همه، ممنون از شما که بودنتون، نگاه‌های مهربونتون و پیشرفتتون بهمون کلی انرژی و انگیزه می‌ده.



فصل یکم

- درس یکم: مبانی تحلیل متن ۷
- درس دوم: سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار در شعر فارسی ۱۶
- درس سوم: واج‌آرایی، واژه‌آرایی ۲۲
- آزمون فصل ۱ ۲۹

فصل سوم

- درس هفتم: سبک و سبک‌شناسی (سبک خراسانی) ۵۸
- درس هشتم: وزن شعر فارسی ۶۷
- درس نهم: موازنه و ترصیع ۷۵
- آزمون فصل ۳ ۸۱

فصل دوم

- درس چهارم: تاریخ ادبیات پیش از اسلام و قرن‌های اولیه هجری ۳۱
- درس پنجم: هماهنگی پاره‌های کلام ۴۲
- درس ششم: سجع و انواع آن ۴۹
- آزمون فصل ۲ ۵۶

فصل چهارم

- درس دهم: زبان و ادبیات فارسی در سده‌های پنجم و ششم و ویژگی‌های سبکی آن .. ۸۳
- درس یازدهم: قافیه ۹۱
- درس دوازدهم: جناس و انواع آن ۱۰۵
- آزمون فصل ۴ ۱۱۳

پاسخ‌نامه تشریحی ۱۱۵

پاسخ‌نامه کلیدی ۱۴۱

درس یازدهم

قافیه

مقدمه

(# جریان چیه؟) باز هم قراره رابع به موسیقی در شعر حرف بزنیم، رابع به عنصری که کاربرد اصلیش قوی تر کردن جنبه موسیقایی شعره. تو درس ۲ گفتیم که وزن (یا به طور کلی تر موسیقی) ادراکی است که از احساس نظم حاصل می شود. این نظم رو توی پایه های آوایی همسان دیدی که چه طور تکرار منظم به پایه عروضی، ایجاد موسیقی می کرد. مکایت این درس هم همینکه شاعر با به تکرار منظم، ایجاد موسیقی کنه؛ تکرار یک یا چند حرف تو به محل مشخص، یعنی آفر مصراع ها.

زاویه دید

درک این که قافیه چیه، کار خیلی سفتی نیست! جاهایی که ممکنه تو دام تله تستی بیفتی یا سوال امتحانی سفت به نظرت برسه عمدتاً سه پاس؛ اولی تشفیص دادن کلمات قافیه تو به پیدت، فصوصاً وقتی با کلمات مرکب یا ردیف های نه پندان آشکار طرفی، دومی تغلیک و تشفیص قاعده شماره ۱ و ۲ قافیه، و سومی توانایی تغلیک هروف الهاقی با هروف اصلی قافیه. این سه تا رو فوب یادگیری، بعیده دیگه به مشکل خاصی بخوری. درس قافیه یکی از مهم ترین دروس علوم و فنون ادبی دهمه. هم تو امتحانات، هم آزمون های آزمایشی و هم تو کنکور سراسری که هر سال حداقل یکی دو تا تست قافیه توش هست. حسابی وقت بذار براش.

بریم سراصل مطلب

خیال انگیز
موزون
سرخساز از عاطفه و احساس

• خواندیم که شعر، سخنی

← است.

وزن به شعر زیبایی می بخشد و آن را اثرگذار می سازد. می گین نه؟ امتحان کنیم! شعر زیر رو با هم بخونیم؛

ببینیم تا اسب اسفندیار سوی آخور آید بدون سوار
و یا باره رستم جنگجوی به ایوان نهد بی خداوند روی ^{فردوسی}

الا فرض کنین همین کلماتو، پوری کنار هم ببینیم که وزنش رو از دست بده؛

ببینیم (که) اسب اسفندیار پیاده به سوی آخور (می) آید یا باره رستم جنگجو بدون خداوند به ایوان رو می نهد.

واضحه که چه قدر بار عاطفی و احساسی کلام کم می شه! وجود وزن، اثرگذاری این کلمات پنداب فردوسی رو چند برابر کرده (تازه به دقت و وسواس این شاعر بزرگ تو انتقاب کلمه ها دقت کنید. رابع به اسفندیار کلمات اسب، آخور و سوار رو به کار می بره، اما رابع به رستم، قهرمان اصلی شاهنامه، کلمات باره، ایوان و خداوند رو و به این ترتیب مقام بالای رستم رو القا می کنه).^۱

یکی دیگر از بایسته های شعر که بر بار موسیقایی و خوش آهنگی آن می افزاید، «قافیه» است. قافیه به زیبایی شعر می افزاید و گوش را نوازش می دهد.

قافیه و ردیف در شعر

قافیه؛ واژه هایی است که حرف یا حروف آخر آن ها مشترک باشد. جایگاه قافیه غالباً در اواخر مصراع هاست.^۲

حروف قافیه؛ حرف یا حروف مشترکی است که در آخر واژه های قافیه می آیند.

ردیف؛ کلمه یا کلماتی است که بعد از واژه قافیه از نظر لفظ و معنی عیناً تکرار می شوند.

۱- **توضیحات غیر کلامی**؛ از عظمت شاهنامه فردوسی زیاده گفتیم و شنیدیم. این با می فوام به پیشنهاد جزئی تر بدم، لااقل دو تا از داستان های شاهنامه رو قمتاً بخونید، حتی آله شه متش رو به نثر؛ یکی داستان رستم و اسفندیار و یکی داستان سیاوش. همین دو تا کافیه تا ببینید فردوسی چه تابعه ای بوده و چه عناصر جذاب و شگفت آوری تو داستان های شاهنامه وجود داره. بعرض احتمالاً دیگه دلتون نمیدار باقی شاهنامه رو نخوانید!

۲- به دو دلیل می گیم غالباً و نمی گیم همیشه! (۱) ممکنه آخرین کلمات به مصراع، ردیف باشن نه قافیه و در قالبی مثل غزل یا قصیده، پز مصراع اول باقی مصراع های فرد قافیه ندارن. (۲) گاهی ممکنه وسط مصراع هم قافیه داشته باشیم یا آخر مصراع ها دو تا قافیه داشته باشیم که تو ادامه درس فوای فوندد.



نیاز به مثال شدیداً حس می‌شه، نه؟! بریم چندتا مثال ببینیم:

مثال ۱: چون گذارد خستِ اول بر زمین معمار، کج گر رساند بر فلک باشد همان دیوار، کج «صائب تبریزی»
خب! گفتیم قافیه واژه‌هایی هستند که حرف یا حروف آخر آن‌ها مشترک باشند و غالباً در اواخر مصراع‌ها به کار می‌روند. دو کلمه «معمار» و «دیوار» این‌گونه‌اند.

پس واژه‌های قافیه در این بیت «معمار» و «دیوار» هستند. کلمه «کج» هم که در پایان هر دو مصراع آمده، ردیف است.

حروف قافیه، حروف مشترک آخر واژه‌های قافیه است، در این بیت دو حرف «ا» و «ر» در آخر کلمات معمار و دیوار مشترک‌اند.

مثال ۲: شبِ فراق، چو زلفت اگرچه تاریک است امیدوارم از آن رو که صبح نزدیک است «سلمان ساوهی»



مثال ۳: ای دیو سپید پای در بند ای گنبد گیتی ای دماوند «ملک الشعرای بهار»

واژه‌های قافیه «بند» و «دماوند» هستند و حروف مشترک آن‌ها «ند» است. این شعر، ردیف ندارد.

قواعد قافیه

حداقل حروف لازم برای قافیه، تابع دو قاعده است:

قاعده ۱: هر یک از مصوت‌های «ا» (با صدای آ) و «و» (با صدای او) به تنهایی می‌توانند قافیه بسازند.

قاعده ۲: گاهی یک مصوت، با یک یا دو صامت پس از خود قافیه می‌سازد.

مثال‌هایی برای قاعده ۱:

مثال ۴: تو را گم می‌کنم هر روز و پیدا می‌کنم هر شب بدین‌سان خواب‌ها را با تو زیبا می‌کنم هر شب «مفیدعلی بهمنی»

«پیدا» و «زیبا»، واژه‌های قافیه‌اند. حرف مشترک آن‌ها «ا» است که به تنهایی قافیه می‌سازد. «می‌کنم هر شب» هم ردیف است که پس از واژه‌های قافیه، عیناً تکرار شده است.

مثال ۵: هیچ دانی آشنا کردن بگو گفت نی! ای خوش جواب خوب‌رو «سعری»

«بگو» و «خوب‌رو» واژه‌های قافیه‌اند. حرف مشترک آن‌ها «و» است که به تنهایی قافیه می‌سازد. بیت ردیف ندارد.

مثال‌هایی برای قاعده ۲:

مثال ۶: چون مرا مجروح کردی، گر کنی مرهم رواست چون بمردم ز اشتیاق، مرده را ماتم رواست «عطار»

«مرهم» و «ماتم» واژه‌های قافیه‌اند. حروف مشترک آن‌ها «م» است؛ یعنی یک مصوت + یک صامت پس از آن؛ «رواست» ردیف است.

مثال ۷: داری تو گمان که مرغ آن درد تنها به دل تو آشیان کرد؟ «پامی»

«درد» و «کرد» واژه‌های قافیه‌اند. حروف مشترک آن‌ها «د» است، یعنی یک مصوت + دو صامت پس از آن؛ بیت، ردیف ندارد.

تبصره

به آخر واژه‌های قافیه ممکن است یک یا چند حرف الحاقی شود. حرف یا حروف الحاقی نیز جزء حروف مشترک قافیه‌اند و رعایت آن‌ها لازم

است. (الحاق به معنی متمثل شدن و پیوستگیه. شنیدی می‌گن فلانی به ما ملحق شد؟ یعنی به ما پیوست. حروف الحاقی هم فرونی هستن که به کلمه اصلی متمثل می‌شن و می‌پیوندن! مثلاً وقتی می‌گید «کتابم» (به معنی کتاب من) یا «کتابی» (به معنی یک کتاب) حروف «م» و «ی» به کلمه اصلی، یعنی «کتاب» ملحق شدن.)

• حروف الحاقی عبارت‌اند از:

(الف) شناسه‌ها:

مثال ۸: تو هیچ عهد نبستی که عاقبت نشکستی مرا بر آتش سوزان نشاندی و ننشستی «سعری»

«ست + ی» حروف قافیه‌اند. «ست» حروف اصلی (طبق قاعده ۲) و «ی»، شناسه دوم‌شخص مفرد، حرف الحاقی

(ب) ضمایر متصل:

مثال ۹: چه لطیف است قبا بر تن چون سرو روان آه اگر چون کمرم دست‌رسیدی به میان (کمر=کمربند) «سعری»

«ان + ت» حروف قافیه‌اند: «ان» حروف اصلی (طبق قاعده ۲) و «ت»، ضمیر متصل، حرف الحاقی

(پ) مخفف صیغه‌های زمان حال بودن (م، ی، یم، ید، ند):

مثال ۱۰: چنان در قید مه‌رت پایبندم که گویی آه‌وی سر در کمندم «سعری»

«ند + م» حروف قافیه‌اند. «ند» حروف اصلی (طبق قاعده ۲) و «م»، به معنی هستیم، حرف الحاقی

۱- با هجرت گلی این «ا» داره پس قاعده یک. قاعده یک می‌گفت «ا» و «و» می‌تونن به تنهایی قافیه باشن. وقتی مصوت + صامت داریم، پای قاعده ۲ در میونه. حالا به مصوت بلند چه مصوت کوتاه.



ت) «ی» آخر بعضی از واژه‌های مختوم به «ا» و «و»:

مثال ۱۱ همی ریخت خون و همی کند موی سرش پر ز خاک و پر از آب روی **«فردوسی»**

«و + ی» حروف قافیه‌اند. «و» حرف اصلی (طبق قاعده ۱) و «ی» حرف الحاقی

مثال ۱۲ خرد رهنمای و خرد دلگشای خرد دست گیرد به هر دو سرای **«فردوسی»**

«ا + ی» حروف قافیه‌اند. «ا» حرف اصلی (طبق قاعده ۱) و «ی» حرف الحاقی

کتاب درسی شما برای حروف الحاقی همین موارد را مثال زده است، اما حروف الحاقی انواع دیگری هم دارند که چند تای دیگرشان را برایتان ذکر می‌کنیم. در کل به یاد داشته باشید هر پسوند مشترکی بین دو کلمه قافیه، الحاقی به شمار می‌آید.

ث) «ی» نکره در کلماتی مثل «درختی (یک درخت)»، «دختری (یک دختر)»، «ستاره‌ای (یک ستاره)» و ...

مثال ۱۳ دیدم امروز بر زمین قمری همچو سروی روان به رهگذری **«فاصل نظری»**

«ر + ی» حروف قافیه‌اند. «ر» حروف اصلی (طبق قاعده ۲) و «ی» نکره، حرف الحاقی

ج) «ی» مصدری که معنای «بودن» می‌دهد؛ مثلاً «جوانمردی (جوانمرد بودن)»، «توانمندی (توانمند بودن)»، «زردی (زرد بودن)» و ...

مثال ۱۴ به جز از خوبی و شکرخندی داشت پیرایه هنرمندی (پیرایه = زیور) **«نظامی»**

«ند + ی» حروف قافیه‌اند. «ند» حروف اصلی (طبق قاعده ۲) و «ی» به معنی بودن «شکرخند بودن، هنرمند بودن» حرف الحاقی

چ) علامت‌های جمع «ها، ان، ات، ون»:

مثال ۱۵ همی گویم و گفته‌ام بارها بود کیش من مهر دلدارها **«علامه طباطبائی»**

«ار + ها» حروف قافیه‌اند. «ار» حروف اصلی (طبق قاعده ۲) و «ها» نشانه جمع حروف الحاقی

ح) صفت‌های عالی (برترین) و تفضیلی (برتر) یعنی: «تر و ترین»

مثال ۱۶ هر که او بیدارتر پردردتر هر که او هشیارتر رخزردتر **«مولوی»**

«رد + تر» حروف قافیه‌اند. «رد» حروف اصلی (قاعده ۲) و «تر» صفت برتر، حروف الحاقی

خ) «ن» مصدری؛ مثل: «دیدن، شنیدن، گفتن و ...»

مثال ۱۷ از حریصی عاقبت نادیدن است بر دل و بر عقل خود خندیدن است **«مولوی»**

«ید + ن» حروف قافیه‌اند. «ید» حروف اصلی (طبق قاعده ۲) و «ن» مصدری، الحاقی

حروف الحاقی انواع دیگری نیز دارند؛ مثلاً «ی» میانجی و مصوت کوتاه «ه» در آخر کلماتی مثل کشته، ساده، فرشته و ... که در آن‌ها «ه» تلفظ نمی‌شود.

نکته ۱

گفتیم که به طور کلی، هر پسوندی که میان دو کلمه قافیه مشترک باشد الحاقی به حساب می‌آید.^۱

نکته ۲

این‌که فقط حروف الحاقی دو کلمه یکسان باشد، باعث نمی‌شود آن دو کلمه بتوانند قافیه بسازند. جدول زیر چند مثال برای این نکته است. وقتی حروف الحاقی را از مثال‌های زیر حذف کنید، خواهید دید که کلمات ستون اول جدول با کلمات ستون دوم باز هم حرف مشترک دارند، اما با کلمات ستون سوم ندارند.

مثال	با این کلمات قافیه می‌سازد.	با این کلمات قافیه نمی‌سازد.
زنان	دشمنان - صف‌شکنان - هم‌میهنان (اگر حروف الحاقی «ان» نشانه جمع را حذف کنیم، باز هم حروف مشترک «ن» طبق قاعده ۲ میان این کلمات با کلمه «زنان» مشترک است و قافیه می‌سازد.)	مردان - درختان - دوستان (اگر حروف الحاقی «ان» را حذف کنیم، میان کلمات این ستون و کلمه «زنان» حرف مشترک قافیه وجود ندارد.)
نشکستی	نشستی - پیوستی - جستی اگر حرف الحاقی «ی»، شناسه دوم شخص مفرد، را حذف کنیم، باز هم حرف «ست» میان این کلمات مشترک است و طبق قاعده ۲ قافیه می‌سازد.	بریدی - برخاستی - برداشتی با حذف «ی» الحاقی، دیگر حرف مشترک قافیه میان این کلمات با «نشستی» وجود ندارد. مثلاً: [برخاستی] ← برخاست «است» و [نشکستی] ← نشکست «ست» نمی‌توانند قافیه بسازند.

۱- بعضی از نکاتی که در ادامه این درس می‌خوانید، در کتاب درسی شما نیستند؛ اما تهره پند سال افیر کنکور، ثابت کرده است که مطالب مفقود گفته شده در کتاب درسی، برای پاسخ‌گویی به تست‌های کنکور، همیشه کافی نیستند. ما تلاش کردیم تمام نکات لازم و ضروری را برایتان ذکر کنیم که با هیچ تست قافیه‌ای غافلگیر نشوید.

مثال	با این کلمات قافیه می‌سازد.	با این کلمات قافیه نمی‌سازد.
خوب‌تر	محبوب‌تر - پر آشوب‌تر	بدتر - بالاتر - خراب‌تر
شور انگیز	غرور انگیز گفتیم هر پسوند مشترکی میان کلمات قافیه را می‌توانیم الحاقی به شمار بیاوریم. «انگیز» در این کلمات مشترک است، اگر آن را حذف کنیم، «شور» قافیه نمی‌سازد.	فتنه انگیز - دل انگیز
کیمیای گر	خنیای گر «گر» را که الحاقی است حذف می‌کنیم. کیمیا و خنیا با هم طبق قاعده ۱ با حرف مشترک «ا» قافیه می‌سازند.	زرگر - مسگر - آهنگر «گر» را که حذف کنیم، «کیمیای گر» با هیچ کدام از این کلمات قافیه نمی‌سازد.

توجه گفتیم رعایت حروف الحاقی در قافیه لازم است. پس اگر دو کلمه، حروف مشترک اصلی قافیه داشتند، اما حروف الحاقی آن‌ها متفاوت بود، قافیه نمی‌سازند. چند مثال در جدول زیر ببینید:

مثال	با این کلمات قافیه می‌سازد.	با این کلمات قافیه نمی‌سازد.
پَرید ی	دید ی - خرید ی - پسندید ی	دیدد ی - خریدد ی - پسندیدد ی
جهان آفرین	جان آفرین	جان فرا - جانی
دشمنان	هم‌میهنان - زنان	هم‌میهن‌ها - زن‌ها
خیال انگیز	ملال انگیز	ملال آور

نکته ۳

اگر فقط یکی از کلمات قافیه (در یک مصراع) حروف الحاقی داشت و این حروف الحاقی با حروف پایانی اصلی کلمه قافیه در مصراع دیگر یکسان بود، قافیه دانستن دو کلمه صحیح است؛ مثلاً دو کلمه (خوب‌تر - شر) با هم قافیه می‌سازند. کلمه «خوب‌تر» دارای حروف الحاقی (پسوند «تر») است، اما دو حرف آخر آن، یعنی «ر» با دو حرف آخر کلمه «شر» (یعنی «ر») یکسان است و لذا طبق قاعده ۲ قافیه می‌سازند یا مثلاً دو کلمه (مردان - نان) با هم قافیه می‌سازند. حروف مشترک آن دو «ان» است، در کلمه «مردان» این دو حرف الحاقی هستند، اما در کلمه «نان» جزء حروف اصلی کلمه.

مثال ۱۸ لفظ‌ها و نام‌ها چون دام‌هاست لفظ شیرین ریگِ آبِ عمرِ ماست^۱ (مولوی)

«ست» مخفف «است» نقش ردیف شعر را دارد. کلمات قافیه در این شعر (نام‌ها - ما) هستند. کلمه «نام‌ها» حروف الحاقی دارد — «ها» ی نشانه جمع؛ اما کلمه «ما» حرف الحاقی ندارد. از طرفی، حرف پایانی کلمه «نام‌ها» یعنی «ا» حروف پایانی کلمه «ما» یکسان است. پس «نام‌ها» و «ما» طبق قاعده ۱ قافیه می‌سازند.

نکته ۴

اگر هر دو کلمه قافیه حروف الحاقی یا پسوند داشتند، اما از دو نوع مختلف، شرط این که قافیه صحیحی بسازند این است که حروف پایانی این دو کلمه طبق یکی از قواعد ۱ یا ۲ قافیه، مشابه باشد؛ مثلاً دو کلمه (آهنگر - خوب‌تر) با هم قافیه می‌سازند، اگرچه حروف الحاقی آن‌ها از دو نوع متفاوت است (اولی «گر» و دومی «تر»)، اما چون حروف پایانی «ر» بین آن‌ها مشترک است، طبق قاعده ۲ قافیه صحیح می‌سازند یا مثلاً کلمات (درخت‌ها - رعدآسا) با هم قافیه می‌سازند، اگرچه حروف الحاقی آن‌ها از دو نوع متفاوت است (اولی «ها» ی نشانه جمع و دومی پسوند «آسا»)، اما چون هر دو کلمه به مصوت «ا» ختم شده‌اند طبق قاعده ۱ با هم قافیه می‌سازند.

۱- توضیح‌های غیر تکنیکی، برای مثنوی مولوی شرح‌های فیلی زیادی نوشته شده، یکی از بهترین‌ها شرح علامه جعفری، شری که علامه روی این بیت نوشته رو بفون و بین چه معنای عمیقی پشت این بیت هست، خصوصاً برای ما که تو دنیای امروز، هر روز بیشتر از قبل با مفاهیم و لغات و ایده‌های جدید مواجهیم.

جمع‌بندی مباحث مربوط به حروف الحاقی در قافیه	
وضعیت حروف الحاقی در دو کلمه	راه تشخیص صحیح بودن قافیه
اگر هر دو کلمه، حروف الحاقی یا پسوندی از یک نوع مشابه داشته باشند،	حروف الحاقی یکسان را حذف می‌کنیم؛ اگر شکل اصلی دو کلمه مطابق یکی از قاعده‌های ۱ یا ۲ حروف مشترک داشتند، دو کلمه با هم قافیه می‌سازند.
اگر فقط یکی از دو کلمه حروف الحاقی یا پسوند داشت،	حروف الحاقی یا پسوند را حفظ می‌کنیم. اگر در همین حالت (که یک کلمه حروف الحاقی یا پسوند دارد و دیگری نه)، مطابق یکی از قاعده‌های ۱ یا ۲ حروف آخر مشترک داشتند، دو کلمه با هم قافیه می‌سازند.
اگر هر دو کلمه حروف الحاقی یا پسوند داشتند، ولی از دو نوع مختلف،	حروف الحاقی یا پسوند هر دو کلمه را حفظ می‌کنیم. اگر در همین حالت، حروف آخر دو کلمه مطابق یکی از قاعده‌های ۱ یا ۲ مشابه بود، دو کلمه قافیه می‌سازند.

تست آموزشی چند گروه از کلمات داخل پرانتز با هم قافیه می‌سازند؟

(شما - انسان‌ها)، (صنعتگر - بلندتر)، (شکستم - کم)، (رازها - روزها)، (مسافر - خوب‌تر)، (غرورت - عبورم)، (نشاط‌بخش - شادی‌بخش)

۱) دو گروه ۲) سه گروه ۳) پنج گروه ۴) شش گروه

پاسخ گزیده: گروه کلمات را یکی‌یکی بررسی کنیم: (شما - انسان‌ها) ← مطابق نکته ۳ قافیه می‌سازند. حرف «ا» در آخر دو کلمه وجود دارد (قاعده ۱) / (صنعتگر - بلندتر) ← نکته ۴، حروف «ر» در پایان دو کلمه مشترک است و قافیه می‌سازند (قاعده ۲) / (شکستم - کم) ← مطابق نکته ۳ قافیه می‌سازند؛ با حروف مشترک «م» (قاعده ۲) / (رازها - روزها) ← مطابق نکته ۲، قافیه نمی‌سازند / (مسافر - خوب‌تر) شرایط آن‌ها، مانند نکته ۳ است، اما کلمه اول به «ر» ختم می‌شود و کلمه دوم به «ر» پس قافیه نمی‌سازند / (غرورت - عبورم) ← حروف الحاقی از یک نوع هستند (ضمیر متصل)، اما یکسان نیستند، اولی «ت» و دومی «م»، پس قافیه نمی‌سازند / (نشاط‌بخش - شادی‌بخش) ← مطابق نکته ۲ قافیه نمی‌سازند.

تذکر: برای مشخص کردن قافیه هر شعر ← ابتدا ردیف را مشخص می‌کنیم ← بعد حروف الحاقی ← و سپس حروف اصلی را.

• قدما آخرین حرف اصلی کلمه را «زوی» می‌نامیدند.

نکته ۵

دقت کنید که در تعریف ردیف گفتیم: «کلماتی که هم از نظر لفظ، هم از نظر معنا عیناً تکرار می‌شوند»؛ یعنی اگر دو کلمه از لحاظ لفظی و ظاهری یکسان بودند، اما معنای متفاوتی داشتند دیگر ردیف نیستند، بلکه واژه‌های قافیه‌اند.

مثال ۱۹: دوش گیسوی تو را ریخته دیدم بر دوش خاطرآشفته‌ام امشب ز پریشانی **دوش** *شهریار*

«دوش» اول به معنی شانه و «دوش» دوم به معنی دیشب است؛ پس این دو کلمه قافیه‌اند، نه ردیف.

نکته ۶

بعضی شاعران برای غنی‌تر کردن موسیقی شعر، گاه درون مصراع‌ها نیز قافیه می‌آورند که به آن «قافیه درونی» گفته می‌شود. رایج‌ترین شکل قافیه درونی این‌گونه است که شاعر بیت را به چهار قسمت مساوی تقسیم می‌کند و در انتهای دو، سه، یا هر چهار قسمت آن، واژه‌های دارای قافیه می‌آورد.

مثال ۲۰: من مانده‌ام مهجور از او، بیچاره و رنجور از او گویی که نیشی دور از او در استخوانم می‌رود *سعدی*

کلمات مشخص‌شده، در حروف «ور» مشترک‌اند و قافیه درونی شعر را می‌سازند.

ذوقافیتین

نکته ۷

گاهی شعر دارای دو قافیه پایانی است که آن را (ذوقافیتین) می‌نامند. در این‌گونه شعرها قافیه اصلی در واژه‌های آخر مصراع‌هاست.

مثال ۲۱: خداوندا در توفیق بگشای نظامی را ره تحقیق بنمای

«توفیق» و «تحقیق» با یکدیگر حروف مشترک دارند و «بگشای» و «بنمای» با هم. «بگشای» و «بنمای» قافیه‌های اصلی به شمار می‌آیند و این شعر ذوقافیتین است.

مثال ۲۲: از آن مرد دانا دهان دوخته‌ست که ببند که شمع از زبان سوخته‌ست *سعدی*

«ست» مخفف (است)، نقش ردیف را دارد. «سوخته» و «دوخته» قافیه‌های اصلی به شمار می‌آیند با حروف مشترک «خت» (قاعده ۲). پیش از این دو، دو کلمه «دهان» و «زبان» هم با حروف مشترک «ان» (طبق قاعده ۲) قافیه می‌سازند، لذا این بیت ذوقافیتین است.



نکته ۸

در ابیاتی که ذوقافیتین هستند، گاهی بین جفت کلمه اول قافیه ساز و جفت کلمه دوم آن، یک کلمه تکراری وجود دارد. این مسئله مانعی برای وجود ذوقافیتین در بیت نیست. مثال زیر را ببینید:

مثال ۳۳ ای شاه زمین بر آسمان داری تخت سست است عدو تا تو کمان داری سخت «امیر معزی»

«تخت» و «سخت» قافیه‌های اصلی هستند («تخت» ← قاعده ۲). «آسمان» و «کمان» هم با یکدیگر قافیه می‌سازند. («ان» ← قاعده ۲). اما بین این دو جفت کلمه، کلمه «داری» تکرار شده است. همان‌طور که گفتیم، وجود این کلمه تکراری مانعی برای ذوقافیتین بودن بیت نیست.

نکته ۹

دام‌های ذوقافیتین: ممکن است در بعضی سؤالات و تست‌ها، از شما بخواهند بیت دارای ذوقافیتین را پیدا کنید. در این موارد احتمال دارد از بعضی تله‌های تستی استفاده شود. چند تا از رایج‌ترین تله‌های ذوقافیتین را در جدول زیر ذکر کرده‌ایم. دقت کنید که در هیچ کدام از این حالات، بیت ذوقافیتین نیست:

مثال	وضعیت قافیه
..... بود روز بود سوز دوست کار دوست یار خواست بردارد خواست بسپارد	اگر قبل از قافیه اصلی، یک کلمه تکراری داشتیم، اما قبل از آن کلمه تکراری، کلمات دارای قافیه وجود نداشت.
..... عشق مست صدق دست (مست و دست طبق قاعده ۲ قافیه می‌سازند، اما عشق و صدق اگرچه حرف مشترک «ق» را دارند، اما مطابق هیچ کدام از قاعده‌های ۱ و ۲ قافیه نمی‌سازند.) زاد مرد زود گرد «مرد و کرد» قافیه می‌سازند، اما «زاد و زود» نه.	اگر دو کلمه قبل از قافیه اصلی، علی‌رغم داشتن حرف مشترک، طبق هیچ کدام از قاعده‌های ۱ یا ۲، دارای قافیه نبودند.
..... دگر باره جگر خواره (کلمات قافیه، مرکب هستند. نباید گفت «دگر» و «جگر» با هم قافیه می‌سازند و «باره» و «خواره» با هم، پس بیت ذوقافیتین است.) سربار اثر گذار (کلمات قافیه مرکب هستند. نباید «سر» و «اثر» را با هم قافیه گرفت و «بار» و «گذار» را با هم.)	اگر قافیه کلمه مرکب بود، نباید آن را تجزیه کرد.

نکته ۱۰

هنگام تشخیص قافیه و ردیف مراقب کلمات مرکب باشید. گاهی تجزیه نادرست کلمه مرکب، ممکن است شما را در تشخیص ردیف، ذوقافیتین و ... دچار اشتباه کند. به مثال زیر دقت کنید:

مثال ۴۴ مَبَر طاعت نفس شهوت پرست که هر ساعتش قبله دیگر است «سعری»

کلمه قافیه در مصراع اول «شهوت پرست» است و در مصراع دوم «است». این بیت نه ردیف دارد و نه ذوقافیتین است. مشابهت «پر» (در شهوت پرست) و «دیگر» در حروف «ر» نباید شما را گول بزند!

نکته ۱۱

گاهی ممکن است دو فعل مرکب وندی، تنها در پیشوند با هم اختلاف داشته باشند و پیشوندهایشان هم طبق قاعده ۱ یا ۲ با هم قافیه بسازند، مثلاً (درکشید - برکشید) در این حالت پیشوندها قافیه می‌سازند (در - بر) و عبارت فعلی بعد از پیشوند (کشید) ردیف است. اگر تنها یکی از فعل‌ها دارای پیشوند باشد، باز هم پیشوند آن می‌تواند با کلمه قبل از فعل در مصراع دیگر قافیه بسازد؛ مثلاً (برکشید - بیشتر کشید).



مثال ۲۵ صنما سپاه عشقت به حصار دل درآمد
بگذر بدین حوالی که جهان به هم برآمد «مولوی»
«ذر» و «بر» با حروف مشترک «ر» (طبق قاعده ۲) قافیه می‌سازند و «آمد» ردیف شعر است.

مثال ۳۶ گفتم غم تو دارم گفتا غمت سرآید
گفتم ز مهرورزان رسم وفا بیاموز
گفتا ز خوبرویان این کار کم‌تر آید «ماقظ»

در بیت اول از این غزل حافظ، «سر» و «بر» قافیه‌اند و «آید» ردیف. در مصراع دوم بیت دوم هم «کم‌تر» با «سر» و «بر» با حروف مشترک «ر» طبق قاعده ۲ قافیه می‌سازد و «آید» کماکان ردیف است.

عیوب قافیه

قاعده کلی را که می‌دانید؛ دو کلمه که بخواهند با هم قافیه بسازند حتماً باید طبق یکی از قاعده‌های ۱ یا ۲ حروف مشترک داشته باشند، چند مورد را که نیاز به دقت بیشتری دارد برایتان بازگو می‌کنیم:

- ۱) یکسانی حروف اصلی و اختلاف در حروف الحاقی یا یکسانی حروف الحاقی و اختلاف در حروف اصلی (که قبلاً مفصل‌تر توضیح دادیم).
- ۲) اختلاف در صامت: مثلاً دو کلمه (عشق و صدق) ← «- شق» و «- دق» ← قافیه نمی‌سازند، چرا که در صامت «ش» و «د» با هم اختلاف دارند.
- ۳) اختلاف در مصوت: مثلاً دو کلمه (گل - گل) ← «- ل» و «- ل» ← قافیه نمی‌سازند، چون در مصوت «-» و «-» با هم اختلاف دارند.
- یا مثلاً دو کلمه (عشق - مشق) ← «- شق» و «- شق» ← قافیه نمی‌سازند، چون در مصوت «-» و «-» با هم اختلاف دارند.
- مثال دیگر، دو کلمه (راز - روز) ← «از» و «وز» ← قافیه نمی‌سازند، چون در مصوت «ا» و «و» اختلاف دارند.
- ۴) اختلاف در شکل نوشتاری و املاي کلمات؛ مثلاً لغت «عزیز» با لغات «ریز، چیز، ستیز، گریز و ...» قافیه می‌سازد، اما با لغات «لذیذ، مریض، غلیظ» قافیه نمی‌شود، چون شکل نوشتاری حروف قافیه آن با این کلمات متفاوت است.

تذکر برای تشخیص قافیه حتماً حواستان به صحیح خواندن کلمه‌ها باشد، خصوصاً در کلماتی مثل (بود، بُود)، (ماند، ماند) و ...

قافیه در شعر نو

قافیه در شعر نو، محدودیت‌های شعر کهن را ندارد و شاعر خود را اسیر قافیه نمی‌کند، بلکه معمولاً در هر بخشی سروده، دو یا چند مصراع قافیه‌دار به کار می‌برد.

مثال ۳۷ خشک آمد کشتگاه من

در جوار کشت همسایه

گرچه می‌گویند می‌گریند روی ساحل نزدیک

سوگواران در میان سوگواران

قاصد روزان ابری داروگ! کی می‌رسد باران؟

«نیما یوشیج»

فب، هلا پندتا نکته مهم در قالب یه تست آموزشی پالش برانگیز؛

تست آموزشی کلمات قافیه در ابیات زیر از حافظ، به ترتیب پیرو کدام یک از قواعد قافیه‌اند؟

الف) چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست	سخن‌شناس نه‌ای جان من خطا این جاست
ب) مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو	یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو
پ) بر سر آنم که گر ز دست برآید	دست به کاری زنم که غصه سرآید
ت) صلاح کار کجا و من خراب کجا؟	بین تفاوت ره کز کجاست تا به کجا؟

(۱) قاعده ۲ - قاعده ۱ - قاعده ۱ - قاعده ۲

(۳) قاعده ۱ - قاعده ۱ - عیب قافیه دارد - قاعده ۱

(۴) قاعده ۲ - قاعده ۱ - قاعده ۲ - قاعده ۲

پاسخ گزینه ۲ و اما بررسی تک تک ابیات:

بیت «الف»: در این بیت، کلمات «خطا» و «این‌جا» قافیه هستند و حرف مشترک آن‌ها «ا» (طبق قاعده ۱) حروف «ست» در واقع مخفف کلمه «است» هستند و بنابراین ردیف به حساب می‌آیند و نه جزء حروف قافیه.

بیت «ب»: کلمات «نو» و «درو» واژه‌های قافیه‌اند، اما به شکل تلفظ آن‌ها دقت کنید: (ن + ء + و) (د + ر + ء + و)

حروف مشترک «ن + و» هستند، یعنی یک مصوت + یک صامت پس از آن؛ یعنی قاعده ۲. پس:

نکته ۱۱

کلماتی که به «و» و «ow» ختم می‌شوند، مانند (نو، جلو، پرتو و ...) اگر با هم قافیه بسازند، از قاعده ۲ پیروی کرده‌اند.

بیت «پ»: واژه‌های قافیه «بر» و «سر» هستند. اگرچه این دو، پیشوند هستند و کلمه مستقلی به حساب نمی‌آیند، اما پیشوندها و پسوندها می‌توانند قافیه بسازند. لذا «بر» و «سر» طبق قاعده ۲ هم‌قافیه‌اند و «آید» ردیف شعر.

بیت «ت»: کلمه «کجا» در انتهای هر دو مصراع تکرار شده و ردیف است. در مصراع اول حروف آخر کلمه «خراب»، «آب» است، اما در مصراع دوم با کلمه «به»، با تلفظ «پ» مواجهیم و این دو نمی‌توانند با هم قافیه داشته باشند، لذا این بیت عیب قافیه دارد.

نکته ۱۳

کلماتی مثل «خورد، خوش و ...» در قدیم «خَرَد، خَش و ...» تلفظ می‌شده‌اند. پس اگر جایی دیدید، مثلاً «گَرَد» با «خورد» یا «خوش» با «آتش» قافیه شد، ایرادی ندارد و قافیه صحیح است. هم‌چنین «سَخَن» را در قدیم «سَحْن» تلفظ می‌کرده‌اند. پس ممکن است در شعرهای قدیم، مثلاً ببینید که «سَخَن» با «کُن» قافیه شده است.

نکته ۱۴

دو کلمه را فرض کنید که در صامت یا صامت‌های آخر مشترک هستند، اما در مصوت کوتاه اختلاف دارند؛ مثلاً «بهشت» و «دشت» که در صامت‌های «شت» مشترک هستند، اما مصوت کوتاه قبل از این صامت‌ها، در یکی «پ» است و در دیگری «ت». در حالت عادی طبق قواعد قافیه، این دو کلمه با هم قافیه نمی‌سازند، اما اگر حرف یا حروف الحاقی مشابهی به انتهای این دو کلمه اضافه شود، قافیه شدن آن‌ها با هم درست است؛ یعنی «بهشت و دشت» با هم قافیه نمی‌شوند، اما برای مثال «بهشتی و دشتی» یا «بهشت‌ها و دشت‌ها» قافیه می‌سازند، چون حروف الحاقی مشترکی به انتهای آن‌ها اضافه شده است.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

● مثال‌های کتاب تو این درس موارد خوبی برای تمرین هستند. اول با این مثال‌ها شروع می‌کنیم:

۳۶۶- کدام بیت ردیف ندارد؟

- ۱) شب عاشقان بیدل چه شبی دراز باشد
- ۲) صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را
- ۳) یارب سببی ساز که یارم به سلامت
- ۴) کی شعر تر انگیزد خاطر که حزن باشد

۳۶۷- کلمات قافیه و حروف آن در بیت زیر کدام است؟

«آب زنید راه را هین که نگار می‌رسد

- ۱) می‌رسد - می‌رسد (د)
- ۲) نگار - نگار (ار)
- ۳) نگار می‌رسد - بهار می‌رسد (د)
- ۴) نگار می‌رسد - بهار می‌رسد (ار)

۳۶۸- حروف قافیه مقابل کدام بیت درست است؟

- ۱) نکنونام و صاحب‌دل و حق‌پرست
- ۲) چنین داد پاسخ فریدون که تخت
- ۳) یار بد مار است هین بگریز از او
- ۴) به جهان خرم از آم که جهان خرم از اوست

۳۶۹- درباره بیت زیر کدام گزینه درست است؟

«در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن

- ۱) قافیه ندارد.
- ۲) دارای دو قافیه پایانی است.
- ۳) ذوقافیتین است.
- ۴) قافیه درونی دارد.

۳۷۰- نوع قافیه در کدام بیت، متفاوت با سایر ابیات است؟

- ۱) مرده بدم زنده شدم گریه بدم خنده شدم
- ۲) گلزار و باغ عالمی چشم و چراغ عالمی
- ۳) طرفه می‌دارند یاران صبر من بر داغ و درد
- ۴) دیده سیر است مرا جان دلیر است مرا



۳۷۱- چند کلمه در شعر زیر قافیه دارند؟

«از تهی سرشار/ جویبار لحظه‌ها جاری است/ چون سبوی تشنه کاندرا خواب بیند آب و اندر آب بیند سنگ/ دوستان و دشمنان را می‌شناسم من/ زندگی را دوست می‌دارم/ مرگ را دشمن/ وای اما با که باید گفت این؟ من دوستی دارم/ که به دشمن باید از او التجا بردن/ جویبار لحظه‌ها جاری.»

(۱) پنج (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۳۷۲- قافیه کدام بیت طبق قاعده ۱ است؟

(۱) گوهر خود را هویدا کن کمال این است و بس
(۲) آب آتش‌فروز عشق آمد
(۳) نشود فاش کسی آن‌چه میان من و توست
(۴) روز وصل دوستداران یاد باد

خویش را در خویش پیدا کن کمال این است و بس
آتش آب‌سوز عشق آمد
تا اشارات نظر نامه‌رسان من و توست
یاد باد آن روزگاران یاد باد

۳۷۳- قاعده قافیه مقابل کدام بیت نادرست آمده است؟

(۱) نفس باد صبا مشک‌فشان خواهد شد
(۲) من از دست کمانداران ابرو
(۳) بر سر آنم که گر ز دست برآید
(۴) کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را

عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد ← قاعده ۲
نمی‌یارم گذرکردن به هر سو ← قاعده ۱
دست به کاری زخم که غصه سرآید ← قاعده ۱
کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را ← قاعده ۱

۳۷۴- کدام توضیح درباره بیت زیر نادرست است؟

«گلاب است گویی به جویش روان»
(۱) این بیت دارای ردیف است.
(۲) این بیت ذوقافیتین است.
(۳) قافیه اصلی بیت طبق قاعده ۲ است.
(۴) قافیه «جویش» و «بویش» دارای حروف الحاقی است.

۳۷۵- قافیه کدام بیت حروف الحاقی ندارد؟

(۱) ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست
(۲) کاشکی جز تو کسی داشتمی
(۳) چندان‌که گفتم غم با طیبیان
(۴) بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست

منزل آن مه عاشق‌کش عیار کجاست
یا به تو دسترسی داشتمی
درمان نکردند مسکین غریبان
بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

۳۷۶- حرف روی در بیت زیر کدام است و قافیه این بیت طبق کدام قاعده است؟

«ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی»
(۱) ی - قاعده ۱ (۲) ا - قاعده ۱ (۳) ای - قاعده ۲ (۴) ایی - قاعده ۲

دل بی‌تو به جان آمد وقت است که بازآیی

۳۷۷- توضیح قافیه مقابل کدام بیت درست است؟

(۱) در پیش بی‌دردان چرا فریاد بی‌حاصل کنم
(۲) ای از مکارم تو شده در جهان خبر
(۳) یار مرا غار مرا عشق جگرخوار مرا
(۴) کسی دانسته نیک‌مردی نکاشت

گر شکوه‌ای دارم ز دل با یار صاحب‌دل کنم (دارای حروف الحاقی است).
افکنده از سیاست تو آسمان سپر (قافیه درونی دارد).
یار تویی غار تویی خواجه نگه دار مرا (قافیه طبق قاعده ۲ است).
کز او خرمن کام دل برنداشت (شت حروف قافیه است).

۳۷۸- کدام قسمت مشخص شده قطعه زیر قافیه دارد؟

«عاشقم بهار را/ رویش ستاره در کویر را/ رهنورد دشت‌های عاشقی/ پر ز باده سپیده باد جام تو/ ای که چون غزال تشنه آب تازه می‌خورد/

(الف) (الف) (ب) (ب)

مرغ دل ز جاری کلام تو/ در غبار کام تو/ چاره فسون‌گران و رهنان/ در محاق مرگ رخ نهفتن است/ من که تشنه‌ام زلالی از سپیده را/

(ب) (ب) (ب) (ب)

من که جست‌وجوگرم سرودهای ناشنیده را/ شعر من که عاشقم همیشه از تو گفتن است/ ای که در بهار سبز نام تو/ رسالت گل محمدی

(ت) (ت)

شکفتن است.
(ت)

(۱) الف - ب (۲) ب - پ (۳) ب - ت (۴) الف - ت

۳۷۹- قافیه‌شدن کدام گروه کلمات با یکدیگر نادرست است؟

(۱) (آرامی - دامی) (گذرم - تیزپرم) (نسب - حسب)
(۲) (سالم - معلّم) (مراد - راد) (سبک‌بال - وبال)
(۳) (درس - رأس) (سلیم - دیلم) (آستان - آستین)
(۴) (زمین - مکین) (حد - سد) (صرع - شرع)



از این قسمت به بعد می‌سیم سراغ سؤال‌های کنکور و مثال‌های خارج از کتاب. بعضی سؤال‌ها هم ممکنه خلاقانه و فراتر از کنکور باشن. اما حتماً با اتکا به کتاب می‌تونن بهشون جواب بدن. فقط از صورت سؤال نترس!

۳۸۰- در کدام گزینه قافیه طبق قاعده ۱ است؟

- ۱) ساقی بیا که یار ز رخ پرده برگرفت
- ۲) سحر چون خسرو خاور علم بر کوهساران زد
- ۳) صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را
- ۴) راهی است راه عشق که هیچش کناره نیست

۳۸۱- کدام بیت قافیه درونی دارد؟

- ۱) گرم از دست برخیزد که با دلدار بنشینم
- ۲) حال دلم ز خال تو هست در آتشش وطن
- ۳) چندین که برشمردم از ماجرای عشقت
- ۴) گر بزنندم به تیغ در نظرش بی‌دریغ

۳۸۲- قافیه کدام بیت طبق الگوی «مصوت + صامت + صامت + حروف الحاقی» است؟

- ۱) اگرچه عرض هنر پیش یار بی‌ادبیست
- ۲) بی مهر رخت روز مرا نور نماندست
- ۳) خدا چو صورت ابروی دلگشای تو بست
- ۴) درخت غنچه برآورد و بلبلان مستند

۳۸۳- قافیه کدام کلمات طبق قاعده ۱ است؟

- ۱) گویند - گزند ۲) پرتو - مشو

۳۸۴- قاعده قافیه در کدام بیت، متفاوت است؟

- ۱) گفتم برون شدی به تماشای ماه نو
- ۲) دلم رمیده شد و غافل من درویش
- ۳) تفاوتی نکند قدر پادشایی را
- ۴) به کوی میکده هر سالکی که ره دانست

۳۸۵- قافیه کدام بیت، نادرست است؟

- ۱) از طمع و حمله و پیکار ماند
- ۲) زاغ را و جغد را اندر قفس
- ۳) نخوانده فرق سر از پای عزم کو کردیم
- ۴) این دوا می‌خواستی آن یک پزشک

۳۸۶- قافیه در تمام گروه کلمات کدام گزینه طبق قاعده ۱ است؟

- ۱) (درو - گرو) (آشنایی - جدایی) (کوی - روی)
- ۲) (سایه - پیرایه) (جهان‌آرای - خدای) (دلیرا - یاورا)
- ۳) (موی - جوی) (تنهایی - مسیحایی) (فضا - قضا)
- ۴) (همراهی - آهی) (جادو - آهو) (پرتو - رهرو)

۳۸۷- کدام بیت قافیه درونی ندارد؟

- ۱) بلی کفاف کی دهد شراب‌ها که وی دهد
- ۲) نگر کران راغ‌ها چه سبزه‌ها چه کشت‌ها
- ۳) بی‌همگان به سر شود بی تو به سر نمی‌شود
- ۴) نور تویی سور تویی دولت منصور تویی

۳۸۸- در میان گروه کلمات زیر، چند مورد قابلیت قافیه‌شدن دارند؟

- (نگاهی - نگاهی) (بت‌پرست - شصت) (چراغ - اتاقم) (رضا - سزا) (حیض - عزیز) (نهر - شهر) (صغیر - سفیر)

- ۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

۳۸۹- واژه‌های کدام گزینه با هم قافیه نمی‌سازند؟

- ۱) طین (به معنی خاک) - بساتین
- ۲) غلطی - دولتی
- ۳) صابره - نادره
- ۴) سوخته - بردوخته



۳۹۰- کدام بیت ذوقافیتین است؟

- (۱) هر زبانى سخن نداند گفت
- (۲) يار محنت كشيده چون ايوب
- (۳) بود عاشق، زد از نخست سخن
- (۴) نطق در بند و گوش باش دمی

۳۹۱- قافیه کدام بیت، نادرست است؟

- (۱) چنان بر صف پیل بگشاد جای
- (۲) اینک این طومار و احکام مسیح
- (۳) نار خندان باغ را خندان کند
- (۴) جسم و جان و دین و دل درباختند

۳۹۲- قافیه در کدام بیت با هیچ کدام از قاعده‌های ۱ و ۲ مطابقت نمی‌کند؟

- (۱) منم بنده اهل بیت نبی
- (۲) ز داندگان بشنو امروز قول
- (۳) فرورفت جم را یکی نازنین
- (۴) تو آزادی از ناپسندیده‌ها

۳۹۳- کدام گزینه طبق قاعده ۲ (مصوت + صامت + صامت) است؟

- (۱) انبیا در کار دنیا جبری‌اند
- (۲) زانک هر مرغی به سوی جنس خویش
- (۳) انبیا چون جنس علیین بُدند
- (۴) دست نه تا دست جنباند به دفع

۳۹۴- قافیه کدام بیت براساس قاعده ۲ است؟

- (۱) سخن در صلاح است و تدبیر و خوی
- (۲) مگوی آن‌که گر برملا اوفتد
- (۳) چو دشنام گویی دعا نشنوی
- (۴) هر نفس نو می‌شود دنیا و ما

۳۹۵- کدام قطعه نیمایی فاقد قافیه است؟

- (۱) آب‌های شومی و تاریکی و بیداد/ خاست فریادی و دردآلود فریادی/ من همان فریادم آن فریاد غم‌بنیاد
- (۲) با تو دیشب تا کجا رفتم/ تا خدا و آن سوی صحرای خدا رفتم/ من نمی‌گویم ملایک بال در بالم شنا کردند
- (۳) مرغ آمین دردآلودی است کآواره بمانده/ رفته تا آن سوی خانه/ بازگشته رغبتش دیگر ز رنجوری نه سوی آب و دانه
- (۴) بر نمی‌شد گر ز بام کلبه‌ها دودی/ یا که سوسوی چراغی گر پیامی مان نمی‌آورد/ رد پاها گر نمی‌افتاد روی جاده‌ها لغزان

۳۹۶- قافیه کدام بیت طبق قاعده ۱ نیست؟

- (۱) در همه دیر مغان نیست چو من شیدایی
- (۲) مرا چشمی است خون‌افشان ز دست آن کمان‌ابرو
- (۳) می‌خواه و گل‌افشان کن از دهر چه می‌جویی
- (۴) ای قبابی پادشاهی راست بر بالای تو

۳۹۷- در کدام گزینه واژه‌های قافیه لفظاً یکسان، ولی در معنا متفاوت هستند؟

- (۱) باید این سنگ از میان برداشتن
- (۲) زیبونی هر چه هست و بود از توست
- (۳) روز اندر خانه سخت آشوب شد
- (۴) گر بیایی یک سفر ما را ز پی



۳۹۸- کدام بیت ذوقافیتین است؟

- (۱) وزیری که جاه من آبش بریخت
- (۲) ز صاحب غرض تا سخن نشوی
- (۳) نگویم چو جنگ آوری پای دار
- (۴) که در تخت و ملکش نیامد زوال؟

۳۹۹- کدام ابیات به ترتیب «دارای دو قافیه پایانی» و «دارای قافیه درونی» هستند؟

- | | | |
|--|---------------------------------------|-------------------------------|
| (الف) خواهم جنونی صف شکن آشوب جان مردوزن | (ب) دل می رود ز دستم صاحب دلان خدا را | (پ) جزءها را رویها سوی کل است |
| (۱) پ - الف | (۲) الف - ب | (۳) الف - پ |
| (۴) پ - ب | | |

۴۰۰- حروف قافیه در کدام بیت در بیش از یک واژه قرار گرفته است؟

- (۱) و اندر آن کاری که میلست و خواست
- (۲) پس تو سرهنگی مکن با عاجزان
- (۳) تیغ چوبین را مبر در کارزار
- (۴) کز پس این پیشوا برخاستند

(سراسری ۸۷)

۴۰۱- در کدام بیت قافیه دارای حروف الحاقی نیست؟

- (۱) سبلتان تو به یکیک برکنی
- (۲) منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن
- (۳) صوفی نهاد دام و سر حقه باز کرد
- (۴) نماز شام غریبان چو گریه آغازم

(سراسری ۹۱)

۴۰۲- کدام بیت ذوقافیتین است؟

- (۱) هر که او با مُرده سودایی بود
- (۲) سوختم چون بوی برناید ز من
- (۳) شاه فلک بین به صبح پرده برانداخته
- (۴) ای چرخ از آن ستاره رعنا چه خواستی

(سراسری ۹۱)

۴۰۳- در کدام بیت عیب قافیه پیدا می شود؟

- (۱) از وبای زرق و محرومی برآ
- (۲) مطرب جان مونس مستان بود
- (۳) بنگر این کشتی خلقان غرق عشق
- (۴) گفت شاه ما همه صدق و وفاست

(سراسری ۹۲)

۴۰۴- کدام بیت ذوقافیتین است؟

- (۱) مشو تا توانی ز رحمت بری
- (۲) قلم زن که بد کرد با زیردست
- (۳) دمی رفت و یاد آمدش روی دوست
- (۴) گدا را چو حاصل شود نان شام

(سراسری ۹۶)

۴۰۵- در کدام بیت حروف قافیه طبق قاعده ۲ (مصوّت + دو صامت) آمده است؟

- (۱) چون ندارم من قبول و دُر غیب
- (۲) جان نیاید در نشاط آلا که بر بوی حبیب
- (۳) هر آن حدیث که از عشق می کند روایت
- (۴) من خاک پای آن کسم کاو خون ساغر می خورد





(سراسری خارج از کشور ۹۶)

(سراسری خارج از کشور ۹۶)

(سراسری خارج از کشور ۹۷)

(سراسری خارج از کشور ۹۷)

(سراسری ۹۸)

(سراسری ۹۸)

(سراسری خارج از کشور ۹۸)

(سراسری ۹۹)



۴۰۶- قافیه کدام بیت نادرست است؟

- ۱) مکن شهریارا دل ما نژند
- ۲) چنان صورتش بسته تمثالگر
- ۳) عکس می‌دان نقش دیباچه جهان
- ۴) اگر مراد تو ای دوست بی‌مرادی ماست

۴۰۷- چند بیت «ذوقافیتین» است؟

- ۱- ما درس سحر در ره میخانه نهادیم
 - ۲- ار ضعیف ار قوی دهند شراب
 - ۳- زین همه زخم و چوب‌بند و جرس
 - ۴- بکنند این همه ندارد سود
 - ۵- خدایا تویی بنده را دستگیر
- (۱) یک (۲) دو

۴۰۸- در کدام بیت «عیب قافیه» به چشم می‌خورد؟

- ۱) موبه‌مو بپند ز صرفه حرص انس
- ۲) چون خدا پوشید بر تو ای جوان
- ۳) رفته است آوازه عدلت چنان
- ۴) گفت داوودش خمش کن رو بهل

۴۰۹- قافیه کدام بیت نادرست است؟

- ۱) تو نگشتی به ستر او واقف
- ۲) نشود دل ز حرف قرآن به
- ۳) مفلسان گر خوش شوند از زر قلب
- ۴) شده نزدیک عام و دانشمند

۴۱۰- قافیه در همه ابیات درست است، به جز:

- ۱) از همه باشد به حقیقت گزیر
- ۲) ای خنده تو راهزن کاروان قند
- ۳) گرچه آتش نیز هم جسمانی است
- ۴) تو آنچ از تو سزد گفتی و کردی

۴۱۱- قافیه در کدام بیت، نادرست است؟

- ۱) من کیام آن را که شرح آن دهم
- ۲) چون بدیدش یاد آورد آن خویش
- ۳) مر مرا این‌جا شکایت سُکر شد
- ۴) می‌نماید ماراندر چشم مال

۴۱۲- در کدام بیت، قافیه، غلط است؟

- ۱) پس این پیر از آن طفل نادان‌ترست
- ۲) مرا چون خلیل آتشی در دل است
- ۳) سر از کوی صورت به معنی کشید
- ۴) به نزدیک من شبرو راهزن

۴۱۳- قافیه در کدام بیت «یک گروه قیدی» است؟

- ۱) ای تاب داده گیسو حالی است بر دل من
- ۲) آشفته‌گان عشقت گیرم که جمع گردند
- ۳) با این سپاه مزگان از خانه گر درآیی
- ۴) از لعل و چشمت آخر دیدی که شد فروغی

می‌آور به جان من و خود گزند
که صورت نبندد از آن خوب‌تر
نام هر بنده جهان خواجه جهان
مراد خویش دگرباره من نخواهم خواست

محصول دعا در ره جانانه نهادیم
طبع بی تاب او ندارد تاب
غرض او بر آش باشد و بس
روز دیگر همان بخواهد بود
بود بنده را از خدا ناگزیر

(۳) سه (۴) چهار

رقص بی‌مقصود دارد همچو خرس
رو خمش کن حق ستاری بدان
که معطر شد زمین و آسمان
این مسلمان را ز گاو تن بجل

نرسیدی هنوز در موقف
نشود بز به پیچ‌پچی فربه
لیک آن رسوا شود در دار ضرب
سفه و غیبت و فضولی پند

از تو نباشد که نداری نظیر
ما نیش عشق خورده و لعل تو نوشند
نه ز روح است و نه از روحانی است
غم جان من بیچاره خوردی

ور دهم آن شرح، خط بر جان نهم
بی‌طمع شد ز اشتر آن یار و خویش
کفر ایمان گشت و ایمان کفر شد
هر دو چشم خویش را نیکو بمال

که از بهر مردم به طاعت درست
که پنداری این شعله بر من گل است
قلم بر سر حرف دعوی کشید
به از فاسق پارسایرهن

از تاب بی‌حسابت وز پیچ بی‌شماره
جمع از کجا توان کرد دل‌های پاره‌پاره؟
تسخیر می‌توان کرد شهری به یک اشاره
ممنون به یک تبسم، قانع به یک نظاره

۴۱۴- قافیه در کدام بیت «غلط» است؟

- ۱) مرا چون خلیل آتشی در دل است
- ۲) اجل ناگهان در کمینم گشدد
- ۳) نه خود را به آتش به خود می‌زنم
- ۴) گدایی که از پادشاه خواست دخت

۴۱۵- در کدام بیت «قاعده قافیه» متفاوت است؟

- ۱) خوش آن که حلقه‌های سر زلف وا کنی
- ۲) اولین گام از سمند عقل را پی می‌کنی
- ۳) زان فشانم اشک در هر ره‌گذاری
- ۴) این چه دامی است که از سنبل مشکین داری

۴۱۶- کدام بیت «ذوقافیتین» است؟

- ۱) کودکی در پیش تابوت پدر
- ۲) حیلله آموزان جگرها سوخته
- ۳) فتنه و آشوب و خونریزی مجوی
- ۴) این سخن نه هم ز درد و سوز گفت

۴۱۷- کدام ابیات «فاقد» ردیف است؟

- الف) من قصه خویشتن بدو چون گویم
ب) تنگ شد از غم دل، جای به من
ج) مشو تا توانی ز رحمت بری
د) گدایی که بر خاطرش بند نیست
ه) خوش آن که نگاهش به سر و پای تو باشد
- ۱) ب - ج - د ۲) ب - د - ه

۴۱۸- کدام بیت، براساس قاعده و تبصره «۱» قافیه سروده شده است؟

- ۱) رفتی و نام تو ز زبانم نمی‌رود
- ۲) از پسته تنگ خود آن یار شکرپوسه
- ۳) زهی خورشید را داده رخ تو حسن و زیبایی
- ۴) میر من خوش می‌روی کاندلر سر و پا میرمت

۴۱۹- قاعده قافیه در مقابل کدام بیت، «غلط» آمده است؟

- ۱) ای برادر بشنوی رمزی ز شعر و شاعری
- ۲) چون من به ره سخن فراز آیم
- ۳) اگر محوّل حال جهانیان نه قضاست
- ۴) در پای تو تا زلف چلیپای تو افتاد

۴۲۰- توضیح روبه‌روی کدام بیت، در مورد قافیه درست است؟

- ۱) سپه را تو باش این زمان پیشرو
- ۲) ناقه جسم ولی را بنده باش
- ۳) دوش از در میخانه کشیدند به دوشم
- ۴) خدایا مقصر به کار آمدم

که پنداری این شعله بر من گل است
همان به که آن نازنینم کشد
که زنجیر شوق است در گردنم
قفا خورد و سودای بیهوده پخت

دیوانگان سلسله‌ات را رها کنی
وادی بی‌منتهای عشق را طی می‌کنی
تابه دامن توننشیند غباری
که به هر حلقه آن صد دل مسکین داری

زار می‌نالیید و برمی‌کوفت سر
فعل‌ها و مکرها آموخته
بیش از این از شمس تبریزی مگوی
خوابناکی هرزه گفت و باز خفت

ترک است و به چوگان بزند چون گویم
یک دل و این همه غم وای به من
که رحمت برندت چو رحمت بری
به از پادشاهی که خرسند نیست
آیینه‌صفت محو تماشای تو باشد

۳) الف - ج - د ۴) الف - ج - ه

و اندیشه تو از دل و جانم نمی‌رود
دوشم به لب شیرین جان داد به هر بوسه
در لطف تو کس بر من نبندد گر تو بگشایی
خوش خرامان شو که پیش قد رعنا میرمت

تا ز ما مشتی گدا کس را به مردم نشمری (قاعده ۲)
خواهم که قصیده‌ای بیارایم (قاعده ۲)
چرا مجاری احوال برخلاف رضااست (قاعده ۱)
بس دل که از این سلسله در پای تو افتاد (قاعده ۱)

تویی کینه‌خواه جهاندار نو (قاعده ۱)
تا شوی با روح صالح خواجه‌تاش (ذوقافیتین)
تا روز جزا مست ز کیفیت دوشم (ش: حروف روی)
تهی‌دست و امیدوار آمدم (یم: حروف الحاقی)

۳۷۲- **گزیده ۱** ردیف: کن کمال این است و بس

کلمات قافیه: هویدا - پیدا - حرف قافیه: ا - قاعده ۱

بیت ۱ آتش فروز - آبسوز - وز
بیت ۲ میان - نامه رسان - ان
بیت ۴ دوستداران - روزگاران - ار

۳۷۳- **گزیده ۲** ۱ مشک فشان - جوان - ان - ۲

۲ ابرو - سو - و - ۱

۳ بر - سر - ر - ۲

۴ تمنا - پیدا - ا - ۱

۳۷۴- **گزیده ۱** روان و روان در دو معنی متفاوت آمده اند، اولی در معنی جاری و دومی در معنی روح و جان، پس ردیف نیستند و قافیه به حساب می آیند.

قافیه اصلی: روان - روان - ان - قاعده ۲

قافیه دوم: جویش - بویش - و + یش (الحاقی) - قاعده ۱

۳۷۵- **گزیده ۱** ۱ یار - عیار - ار (بدون الحاقی)

۲ کسی - دسترسی - س + ی

۳ طبیبان - غریبان - یب + ان

۴ گلستانم - فراوانم - ان + م

یادآوری

گفتیم حروف الحاقی، یعنی حروفی که به کلمه اصلی اضافه شده اند. این حروف در اصل کلمه حاضر نیستند و اگر آن ها را برداریم، باز هم کلمه ما، معنی دار است:

طبیبان - غریبان - طبیب - غریب اصل کلمه هستند.

گلستانم - فراوانم - گلستان - فراوان اصل کلمه هستند.

۳۷۶- **گزیده ۲** حرف روی آخرین حرف اصلی قافیه است: تنهایی -

آیی: ا + یی (الحاقی) - قاعده ۱

۳۷۷- **گزیده ۲** جگرخوار - دار: ار - قاعده ۲

شکل درست سایر گزینه ها:

۱ بی حاصل - دل - ل الحاقی ندارد.

۲ ذوقافیتین است: «جهان - آسمان» و «خبر - سپر»

۴ «اشت» حروف قافیه است.

۳۷۸- **گزیده ۲** (الف): کویر - بهار - فقط «ر» مشترک است -

قافیه ندارد.

(ب): جام تو - کلام تو - کام تو - ام - قاعده ۲

(پ): فسونگران - رهزنان - فسونگر - رهزن - قافیه ندارد

(ضمن این که در آخر مصراع یا آخر قطعه نیست.)

(ت): نهفتن - گفتن - شکفتن - فت + ن - قاعده ۲

۳۷۹- **گزیده ۲** درس - رأس: رس - عس - در صامت تفاوت

دارند. (شماره ۲ در عیوب قافیه)

سلیم - دیلم: یم - م - در مصوت متفاوت اند. (عیوب قافیه، شماره ۳)

آستان - آستین: ان - ین - در مصوت متفاوت اند. (عیوب قافیه، شماره ۳)

حروف قافیه باید کاملاً یکسان باشد. اگر متفاوت باشند، قافیه

نادرست است.

۳۶۶- **گزیده ۲** ردیف به کلماتی گفته می شود که عیناً و با یک معنا

در انتهای مصراع ها تکرار می شود. کلمات «باشد، را، باشد» به ترتیب در ۱، ۲ و ۴ ردیف هستند.

۳۶۷- **گزیده ۲** در این بیت «می رسد» ردیف است و نباید آن را در کلمات قافیه به حساب آورد.

۳۶۸- **گزیده ۴**

نکته

در نوشتن حروف قافیه باید مصوت های کوتاه را نوشت.

۱ حق پرست - دست - ست ۲ تخت - بخت - خت - خت

در نوشتن مصوت /و/ و /ی/ در قافیه نباید حرف «ا» را اضافه

کرد. ۳ او - زشت خو - و

۳۶۹- **گزیده ۴** در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن / من

خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می رود

بیت قافیه درونی دارد.

۳۷۰- **گزیده ۲** بیت ۳ ذوقافیتین است، اما سایر ابیات قافیه

درونی دارند.

نکته

دقت کنید که سؤال از «قواعد قافیه» نیست و «نوع» قافیه مورد

پرسش است. انواع قافیه شامل قافیه پایانی (معمولی)، قافیه

درونی و ذوقافیتین می شود.

۳۷۱- **گزیده ۲** کلمات «من، دشمن، بردن» قافیه های شعر را

ساخته اند. دقت کنید کلمات قافیه در آخر مصراع های شعر (چه شعر

نو چه کلاسیک) می آیند.

۳۸۰- **گزینه ۳** ردیف: را / رعنا و ما ← ا ← قاعده ۱

بررسی سایر گزینه‌ها

۱ ردیف: گرفت / بر و در ← ر ← قاعده ۲

۲ ردیف: زد / کوهساران و امیدواران ← ار + ان ← قاعده ۲

۴ ردیف: نیست / کناره و چاره ← اره ← قاعده ۲

۳۸۱- **گزینه ۴** کلمات «تبخ و دربخ» در مصراع اول این بیت قافیه درونی ساخته‌اند.

۳۸۲- **گزینه ۴** بیت ۱ بی ادبی - عربی ← ب + ی

بیت ۲ نور - دیچور ← و

بیت ۳ دلگشای - کرشمه‌های ← ا + ی (نکته ۳ درس نامه رو یاد تونه؟)

بیت ۴ مستند - بنشستند ← ست + د ← و

۳۸۳- **گزینه ۴** ۱ د ← (نکته ۳) / ۲ و ← (نکته ۱۱) / ۳ قافیه نمی‌سازند / ۴ ا + پی (الحاقی)

۳۸۴- **گزینه ۳** بیت ۱ نو - رو ← و ← قاعده ۲

بیت ۲ درویش - پیش ← پیش ← قاعده ۲

بیت ۳ پادشایی - گدایی ← ا + پی ← قاعده ۱

بیت ۴ ره - تبه ← ه ← قاعده ۲

یادآوری

قافیه کلمات «نو - درو - برو - پرتو - مشو و ...» به صورت OW (و) است و از «مصوت کوتاه + صامت» تشکیل شده است.

۳۸۵- **گزینه ۲** قفس و قصص در شکل نوشتاری حروف قافیه متفاوت‌اند و قافیه غلط است. (پیکار و کار) در ۱، (کو و گو) در ۲ و (پزشک و سرشک) در ۴ کلمات قافیه‌اند.

۳۸۶- **گزینه ۳** موی - جوی: و + ی / تنهایی - مسیحایی: ا + پی / فضا - قضا: ا

۳۸۷- **گزینه ۳** بیت ۱ کی دهد - وی دهد

بیت ۲ راغ‌ها - باغ‌ها / بیت ۴ نور - سور - منصور - طور

۳۸۸- **گزینه ۴** گناهی - نگاهی ← اه + ی

بت‌پرست - شصت ← شکل نوشتاری متفاوت

چراغم - اتاقم ← شکل نوشتاری متفاوت

رضا - سزا ← ا

حضيض - عزیز ← شکل نوشتاری متفاوت

نهر - شهر ← هر / صغیر - سفیر ← یر

۳۸۹- **گزینه ۲** غلطی - دولتی (ی الحاقی) ← غلط - دولت ← شکل خطی متفاوت

۱ بین (به اختلاف «ط» و «ت» کاری نداریم. این با کلمه‌ای مثل شاهین هم قافیه می‌سازد فقط به خاطر همین حروف مشترک «ین») ۲ ر + ه / ۴ وخت + ه

۳۹۰- **گزینه ۲** ایوب - یعقوب: قافیه اصلی / چون: مشترک / کشیده - چشیده: قافیه دوم

یادآوری

در ذوقافیتین بین قافیه اصلی و قافیه دوم گاهی کلمه مشترکی می‌آید که مانند ردیف عمل می‌کند.

۳۹۱- **گزینه ۴** ۱ جای - پای ← ا + ی

۲ مسیح - فصیح ← یح (گول تفاوت س و ص را نخورید! حروف

«یح» به تنهایی برای ساختن قافیه کافی‌اند.)

۳ خندان - مردان ← ان (نکته ۴ درس‌نامه)

۴ درباختند - دریافتند ← اخت و افت + د ← تفاوت در صامت

۳۹۲- **گزینه ۱** نبی - وصی ← قافیه «ی» در قواعد قافیه وجود ندارد.

۳۹۳- **گزینه ۴** ۱ دنیا - عقبی ← ا

۲ خویش - پیش ← یش

۳ بدند - شدند ← د + د ← ند (الحاقی)

۴ دفع - نفع ← فع

۳۹۴- **گزینه ۳** نشنوی - ندروی ← و + ی

۱ خوی - گوی ← و + ی

۲ ملا - بلا ← ا

۴ ما - بقا ← ا

۳۹۵- **گزینه ۴** ۱ بیداد - بنیاد / ۲ کجا - خدا / ۳ خانه - آب و دانه

نکته

درست است که قطعه ۴ در این تست قافیه ندارد، اما یادتان باشد که شعر نیمایی قافیه دارد. در این جا فقط بخشی از شعر آمده است و این بخش خاص قافیه ندارد.

۳۹۶- **گزینه ۲** «ابرو» در این بیت ردیف است ← کلمات قافیه: کمان - آن (ان) ← قاعده ۲ (مثالی از نکته ۱۰)

«پی» در ۱ و ۲ و «ی» در ۴ الحاقی هستند.

۳۹۷- **گزینه ۴** پی ← (۱ دنبال ۲) عصب و ریشه

۳۹۸- **گزینه ۴** زوال و تعال: قافیه اصلی / نیامد - ایزد: قافیه دوم

۳۹۹- **گزینه ۱** بیت (الف): صف شکن - زن - تن: قافیه درونی

بیت (ب): را - آشکارا: قافیه‌های اصلی

بیت (پ): کل - گل قافیه اصلی / سوی - روی قافیه دوم

۴۰۰- **گزینه ۱** خواست و خداست (است) ← حروف قافیه در «خداست» داخل در کلمه «خدا» و «ست، مخفف است» پخش شده است.

۴۰۱- **گزینه ۳** ۱ برکنی - روشنی: ن + ی

۲ ورزیدن - دیدن: ید + ن

۳ باز (گشوده) - حقه‌باز (از مصدر باختن): از

۴ آغازم - پردازم: از + م

۴۰۲- **گزینه ۲** ۲ «ز من» ردیف است / «برناید و ننماید»: قافیه اصلی / «بوی و روی»: قافیه دوم

۱ «بود» ردیف است / «سودایی و سیمایی»: قافیه / «مُرده و زنده» قافیه نیستند.

۲ «انداخته» ردیف است / «بر و در»: قافیه / «پرده و خرقة» قافیه نیستند.

۴ «چه خواستی» ردیف است / «رعنا و زیبا»: قافیه / «ستاره و شکوفه» قافیه نیستند.

۴۰۳- **گزینه ۳** «عشق» ردیف است / «غرق و حلق» عیب قافیه دارند (رق و لق در صامت اختلاف دارند).

۴۰۴- گزینۀ ۴

۴ شام (شب) و شام (سوریه) قافیه اصلی / نان و سلطان قافیه دوم
۱ بری (پاک) و بری (ببری) قافیه اصلی / رحمت و رحمت تکرارند و قافیه ندارند.

۲ نکته ۱۰ درس نامه در این گزینه کمکتان می کند! نباید دست را در دو مصراع ردیف در نظر بگیرید و زیر و شمشیر را قافیه! «زیردست» در مصراع اول کلمه قافیه است و «دست» در مصراع دوم.

۳ «دوست» ردیف است / «روی و کوی» قافیه اصلی

۴۰۵- گزینۀ ۱ غیب و عیب — یب: مصوّت + صامت + صامت

۲ حبیب و عندلیب — یب

۳ روایت و حکایت — یت

۴ خورد و آورد — َر (می خورد در قدیم (می خُرد) تلفظ می شده) + َد (الحاقی)

۴۰۶- گزینۀ ۳ در این بیت، «جهان» ردیف است. بین کلمات «دیباچه» و «خواجه» حروف «ی» «ه» غیرملفوظ و «ی» میانجی الحاقی هستند و چون یکی به مصوّت «چ» و دیگری به «ج» ختم می شود قافیه بیت غلط است.

بررسی سایر گزینه ها

۱ «نژند» و «گزند» — َند «مشترک» قاعده ۲

۲ «تمثالگر» و «خوبتر» — َر «حروف مشترک» قاعده ۲ و نکته ۴ درسنامه

۴ حروف قافیه در مصراع اول میان دو کلمه «ما» و «ست» مخفف است. پخش شده، لذا «ماست» و «خواست» با حروف مشترک «است» مشترک اند.

۴۰۷- گزینۀ ۱ فقط بیت ۵ ذوقافیتین است. «دستگیر» و «ناگزیر» با حروف مشترک «یر» قافیه اصلی و پیش از آن ها «را» و «خدا» با حروف مشترک «ا» قافیه می سازند.

دقت کنید که در بیت ۴، «سود» و «بود» با حروف مشترک «ود» قافیه اصلی را تشکیل می دهند اما پیش از آن ها در «بخواهد» و «ندارد»، «د» شناسه سوم شخص مفرد و الحاقی است و جز آن، حروف مشترک نداریم، پس غیر از قافیه اصلی بیت، قافیه دیگری در کار نیست.

۴۰۸- گزینۀ ۱ «انس» و «خرس» فقط در صامت آخر مشابه اند و قافیه نمی سازند.

بررسی سایر گزینه ها

۲ در «جوان» و «بدان» حروف «ان» مشترک است و طبق قاعده ۲، قافیه صحیح است.

۳ «چنان» و «آسمان» در «ان» مشترک اند. — قاعده ۲

۴ «پهل» و «بجل» در حروف «ل» مشترک اند و قافیه می سازند.

۴۰۹- گزینۀ ۳ «لب» و «رب» نمی توانند قافیه بسازند.

بررسی سایر گزینه ها

۱ «موقف» و «واقف» — ِف «ف» — قاعده ۲

۲ «به» و «فربه» — ِه «ه» — قاعده ۲ (دقت کنید «ه» آخر کلمات وقتی الحاقی محسوب می شود که تلفظ نشود و صدای «ی» بدهد، مثل کشته، ساده و ...)

۴۱۰- گزینۀ ۲ پسوند «انی» در دو کلمه مشترک و جزء حروف الحاقی است. (به نکته ۱ دقت کنید)، اما با حذف حروف الحاقی می بینیم که کلمات «جسم» و «روح» قافیه نمی سازند، چرا که حروف آخرشان مشترک نیست؛ پس قافیه این بیت نادرست است. (نکته ۲)

۱ بررسی سایر گزینه ها نظیر و گزیر در حروف «یر» مشترک اند — قاعده ۲ (گول تفاوت «ط» و «ز» را نخورید، در این دو کلمه با آن ها کاری نداریم).

۲ قند و نوشند در حروف «ند» مشترک اند — قاعده ۲

۴ کردی و خوردی در حروف «رد» + «ی» الحاقی مشترک اند — قاعده ۲ (نکته ۱۳ را هم ببینید).

۴۱۱- گزینۀ ۲ بیت ۳ عیب قافیه از نوع «اختلاف در صامت» دارد — «کر» و «ر» —

۱ بررسی سایر گزینه ها «دهم» و «نهم» — َم «م» — قاعده ۲

۲ «خویش» اول به معنی خود و «خویش» دوم به معنی «قوم و خویش، فامیل»، پس طبق نکته ۵ قافیه صحیح است.

۴ «مال» و «بمال» — «ال» — قاعده ۲

۴۱۲- گزینۀ ۲ تست بدون دار و پالاش بر انگیزه! به تذکری که در درس نامه قبل از بخش «قافیه در شعر نو» دادیم، دقت کنید؛ درست خواندن کلمات خیلی مهم است. در همین تست کافیسست «گل» را «گل» بخوانید تا در دام بیفتید! شاعر در مصراع دوم، شعله آتش را به گل تشبیه کرده است. «دل» و «گل» هم که با هم قافیه نمی شوند.

۱ بررسی سایر گزینه ها «ست» مخفف «است» ردیف و «نادان تر» و «در» هم با حروف مشترک «ر» طبق قاعده ۲ قافیه می سازند. (ترکیبی از نکات ۳ و ۱۱ در این گزینه وجود دارد).

۳ یک تله تستی مهم! «کشید» در مصراع اول جزء دوم فعل «سرکشیدن» است و «کشید» در مصراع دوم به معنی «رسم کردن» است. قلم بر سر چیزی کشیدن، یعنی روی آن چیز را خط زدن و معنای کنایی (باطل کردن، حذف کردن و ...) دارد. پس کلمه «کشید» در دو معنای مختلف به کار رفته و قافیه صحیح است (ترکیب نکته ۵ و نکته ۱۱)

۴ «راهنز» و «پیرهن» با حروف مشترک «ن» طبق قاعده ۲ قافیه می سازند.

۴۱۳- گزینۀ ۲ «به یک اشاره» قید است که کلمه قافیه (اشاره) در گروه قیدی است.

بررسی سایر گزینه ها

۱ بی شماره، صفت است.

۲ پاره پاره صفت است.

۴ به یک نظاره متمم اسمی است.

۴۱۴- گزینۀ ۱ کلمات قافیه (دل - گل) در مصوّت کوتاه اختلاف دارند و قافیه غلط است.

بررسی سایر گزینه ها

۲ کلمات قافیه (کشد - کشد) حروف اصلی (ش - ش) به دلیل داشتن حروف الحاقی (د) قافیه درست است. (نکته ۱۴ درسنامه)

۳ کلمات قافیه (می زنم - گردنم) حروف اصلی (ن - ن) + حروف الحاقی

نکته

هرچند (ـم) در هر دو کلمه از یک جنس نیست، اما معمولاً به عنوان حروف الحاقی محسوب می‌شود.

۴۲۰- **گزینہ ۳** کلمات قافیه (دوشم «به معنی کتف»، دوشم «به معنی دیشب») جناس تام دارند. (ـم) حروف الحاقی و (وش) حروف اصلی هستند.

بررسی سایر گزینہ‌ها

۱ کلمات قافیه (پیشرو، نو) حروف اصلی (ئ و) طبق قاعدهٔ دو است. (نکته ۱۲)

۲ کلمات قافیه (باش، خواجه‌تاش) حروف اصلی (اش) و کلمات قبل قابلیت قافیه‌شدن ندارند، پس ذوقافیتین نیست.

نکته

اگر اشتبهاً کسی (باش و تاش) را قافیه بگیرد باز در این صورت (بنده و خواجه) هم قافیه نمی‌شوند. گفتیم «ی» آخر کلماتی که «ه» غیرملفوظ دارند، الحاقی است.

۴ در این بیت (آمدیم) ردیف شعر است و حروف الحاقی را از کلمات قافیه می‌گیریم، نه ردیف شعر، کلمات قافیه هم کار و امیدوار هستند و حروف الحاقی ندارند.

نکته

۴ کلمات قافیه (دخت - پخت) حروف اصلی (ئ خت) ۴۱۵- **گزینہ ۱** کلمات قافیه در (۱) (وا و رها) است و طبق قاعدهٔ ۱، قافیه شده‌اند.

بررسی سایر گزینہ‌ها

۲ کلمات قافیه (پی، طی) حروف اصلی (ی - ی) طبق قاعدهٔ ۲ ۳ کلمات قافیه (رهگذاری، غباری) حروف اصلی (ار) + (ی) الحاقی طبق قاعدهٔ ۲

۴ کلمات قافیه (مشکین، مسکین) حروف اصلی (ین) طبق قاعدهٔ ۲ ۴۱۶- **گزینہ ۲** کلمات قافیۀ اصلی (مجوی و مگوی) و کلمات قافیۀ دوم (خونریزی و تبریزی) است.

بررسی سایر گزینہ‌ها

۱ کلمات قافیه (پدر، سر) ولی کلمات (تابوت و کوفت) قافیه نمی‌شوند. ۲ کلمات قافیه (سوخته و آموخته) ولی کلمات (جگر و مکر) قافیه نمی‌شوند.

۴ کلمات قافیه (گفت و خفت) ولی کلمات (سوز و باز) قافیه نمی‌شوند. ۴۱۷- **گزینہ ۳** در بیت «ب»، «به من» ردیف است. در بیت «د»، «نیست» و در بیت «ه»، «تو باشد»

بررسی سایر ابیات

(الف): «چون گویم» در مصراع اول به معنی «چگونه بگویم» است و در مصراع دوم به معنی «مانند گوی هستم». پس ردیف نداریم. (ج): بری در مصراع اول به معنی «دور» است و در مصراع دوم به معنی «بری».

۴۱۸- **گزینہ ۲** قافیه‌های این بیت «زیبایی» و «بگشایی» هستند. حروف قافیه (ا) + صامت میانجی + ی. پس طبق قاعدهٔ «۱» و با تبصرهٔ حروف الحاقی ساخته شده‌اند.

بررسی سایر گزینہ‌ها

۱ زبان و جان ← «ان» قاعدهٔ ۲

۲ شکر و هر ← «ر» قاعدهٔ ۲

۴ پا و رعنا ← «ا» قاعدهٔ ۱ ولی تبصره و حروف الحاقی ندارد.

۴۱۹- **گزینہ ۲** کلمات قافیه (آیم و بیارایم) حروف الحاقی (یم) حرف اصلی مصوّت بلند (ا) طبق قاعدهٔ یک

بررسی سایر گزینہ‌ها

۱ کلمات قافیه: (شاعری، نشمری) حرف الحاقی (ی) حروف اصلی (ر یا - ر) طبق قاعدهٔ دو (به نکته ۱۴ دقت کنید)

۲ کلمات قافیه (قضا، رضا) حرف اصلی مصوّت بلند (ا) طبق قاعدهٔ یک و (ست)، «مخفف است» ردیف است.

۴ کلمات قافیه (چلیپای و پای) حرف الحاقی (ی) حرف اصلی (ا) طبق قاعدهٔ یک